

# **«فلسفه تحول تاریخ»**

## **در شرق و غرب تمدن اسلامی**

روش استنباط عقلانیت تاریخی و تحول علوم انسانی  
بر اساس مقادیر و نقد سنت ابن خلدونی با بسط حکمت نوصدرایی

مؤلف: **موسى نجفى**

همکار علمی: **دکتر علیرضا داوودزاده**

با مقدمه علمی: **دکتر رضا داووری اردکانی**

تابستان ۱۳۹۴

|                     |                                                                                                                                                                                                                                 |
|---------------------|---------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | نجفی، موسی، ۱۳۴۱-                                                                                                                                                                                                               |
| عنوان و نام پدیدآور | فلسفه تحول تاریخ در شرق و غرب تمدن اسلامی: روش استنباط عقلانیت تاریخی و تحول علوم انسانی براساس مقایسه و نقد سنت ابن خلدونی با بسط حکمت نوصدرایی / مؤلف موسی نجفی، همکار علمی علیرضا جوادزاده؛ با مقدمه علمی رضا داوری اردکانی. |
| مشخصات نشر          | تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۹۴.                                                                                                                                                                                   |
| مشخصات ظاهری        | و، ۳۴۲ص.                                                                                                                                                                                                                        |
| شابک                | ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۶۳-۱                                                                                                                                                                                                               |
| وضعیت فهرست نویسی   | فیا                                                                                                                                                                                                                             |
| موضوع               | ابن خلدون، عبدالرحمان بن محمد ۷۲۲-۸۰۸ق. - فلسفه تاریخ.                                                                                                                                                                          |
| موضوع               | مطهری، مرتضی، ۱۲۹۸-۱۳۵۸ - دیدگاه درباره فلسفه تاریخ.                                                                                                                                                                            |
| موضوع               | صدرالدین شیرازی، محمدبن ابراهیم، ۹۷۹-۱۰۵۰ق. - نقد و تفسیر.                                                                                                                                                                      |
| موضوع               | تاریخ - فلسفه.                                                                                                                                                                                                                  |
| موضوع               | تاریخ - فلسفه جنبه‌های مذهبی - اسلام.                                                                                                                                                                                           |
| شناسه افزوده        | جوادزاده، علیرضا، ۱۳۵۴-                                                                                                                                                                                                         |
| شناسه افزود         | داوری اردکانی، رضا، ۱۳۱۲-                                                                                                                                                                                                       |
| رده بندی ننگره      | ۱۳۹۴ ۳۰۳ الف ۷/۱۱۶ D                                                                                                                                                                                                            |
| رده بندی دیویی      | ۹۰۷/۲                                                                                                                                                                                                                           |
| شماره کتابشناسی ملی | ۱۰۰۵۲                                                                                                                                                                                                                           |

## «فلسفه تحول تاریخ در شرق و غرب تمدن اسلامی»

روش استنباط عقلانیت تاریخی و تحول علوم انسانی براساس مقایسه و نقد  
سنت ابن خلدونی با بسط حکمت نوصدرایی  
نویسنده: موسی نجفی



مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

طرح روی جلد: جواد تسوجی

ناظر فنی چاپ: سجاد بهارلو

چاپ اول: تابستان ۱۳۹۴

تعداد: ۷۰۰ نسخه

قیمت: ۱۷۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۸۳۴-۶۳-۱

تهران، خیابان ولی عصر، شهید فیاضی (فرشته)، نیش چناران، شماره ۱۵

صندوق پستی: ۱۹۳۹۵/۱۹۷۵ تلفن: ۲۲۰۰۳۴۶۹ دورنگار: ۲۲۶۰۲۰۹۶

پست الکترونیکی: [info@iichs.org](mailto:info@iichs.org) وب: <http://www.iichs.org>

کلیه حقوق این اثر متعلق است به مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران

مرکز توزیع: نمایشگاه و فروشگاه سرای تاریخ

سفارشات: ۰۹۱۲۹۳۷۵۴۴۰ فروشگاه اینترنتی: [www.iichstore.ir](http://www.iichstore.ir)

## فهرست اجمالی

|                                                                           |     |
|---------------------------------------------------------------------------|-----|
| مقدمه علمی دکتر رضا داری کانی                                             | ۱   |
| مقدمه                                                                     | ۷   |
| دبیاچه                                                                    | ۹   |
| فصل اول: درآمدی بر مباحث فلسفه تاریخ، و مسأله کتاب                        | ۱۷  |
| فصل دوم: ابن خلدون، علم عمران و فلسفه تاریخ «دور»                         | ۳۳  |
| فصل سوم: استاد مطهری و «فلسفه الهی تاریخ» (با تأکید بر نظریه تحلیل تاریخ) | ۱۱۹ |
| فصل چهارم: استنتاج، تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های مرتبط با فلسفه تاریخ        |     |
| ابن خلدون و فارابی و استاد مطهری (بر اساس شریعت، فلسفه و تاریخ)           | ۲۵۱ |
| ضمیمه: تمدن اسلامی؛ گذشته، حال، آینده                                     | ۲۸۵ |
| کتابنامه                                                                  | ۳۲۵ |
| فهرست اعلام                                                               | ۳۳۱ |

## فهرست تفصیلی مطالب

|         |                                                                   |
|---------|-------------------------------------------------------------------|
| ۱.....  | مقدمه علمی دکتر رضا داوری                                         |
| ۷.....  | مقدمه                                                             |
| ۹.....  | دیباچه                                                            |
| ۱۷..... | فصل اول: درآمدی بر مباحث فلسفه تاریخ، و تبیین مسأله کتاب          |
| ۱۷..... | ۱. اصطلاح فلسفه تاریخ                                             |
| ۲۲..... | ۲. فلسفه تاریخ در بین تفکران اسلامی، و طرح مسأله                  |
| ۳۳..... | فصل دوم: ابن خلدون، علم عمران و فلسفه تاریخ «دوری»                |
| ۳۳..... | ا) معرفی و گزارش مقدمه ابن خلدون                                  |
| ۳۳..... | ۱. معرفی کتاب تاریخ ابن خلدون                                     |
| ۳۵..... | ۲. هدف از نگارش کتاب «العبر»، «تأسیس علم جدید «عمران»             |
| ۴۴..... | ۳. توضیح درباره دو واژه مهم: «عمران» و «عصیت»                     |
| ۴۴..... | ۱-۳. «عمران»                                                      |
| ۴۵..... | ۲-۳. «عصیت»                                                       |
| ۴۹..... | ب) بررسی و تحلیل مقدمه ابن خلدون                                  |
| ۵۰..... | ۱. ابن خلدون در چند راهی علوم متعدد                               |
| ۵۲..... | ۲. مقدمه ابن خلدون، علم قدیم یا جدید؟                             |
| ۵۹..... | ۳. نگاه کلی ابن خلدون به فلسفه و تاریخ (فاصله‌گیری از تاریخ قدسی) |
| ۶۵..... | ۴. آیا ابن خلدون فلسفه تاریخ دارد؟                                |
| ۶۷..... | ۵. ابن خلدون و «فلسفه علم تاریخ»                                  |
| ۶۸..... | ۱-۵. تعریف، موضوع و فایده علم تاریخ                               |
| ۷۰..... | ۲-۵. روش علم تاریخ                                                |

- ۵-۳. نیازها و شرایط مورخ (آسیب‌شناسی علم تاریخ)..... ۷۵
- ۵-۴. جایگاه علم تاریخ در میان علوم، و نیاز آن به علوم دیگر ..... ۷۸
۶. ابن خلدون و «فلسفه نظری تاریخ» (دیدگاه «دوری»)..... ۸۰
- ۶-۱. نحوه انحطاط دولت‌ها ..... ۸۱
- ۶-۲. چگونگی انحطاط شهرها و تمدن‌ها ..... ۸۵
- جمع‌بندی ..... ۸۹
۷. قوانین اجتماعی ابن خلدون در معرض نقض (آسیب‌شناسی روش ابن خلدون در جمع‌بندی)..... ۹۱
۹۵. هم منطق، گزاره‌ها و روش استدلال یقینی ..... ۹۵
- روش ابن خلدون در علم عمران و اشکالات آن ..... ۱۰۰
- ۷-۱. منش دوا. های استیلایی، اصول و عقاید دینی است..... ۱۰۴
- ۷-۲. عمر دولت‌ها. چهار فصل و ۱۲۰ سال است..... ۱۰۶
- ۷-۳. از آثار فرسودگی دولت، جزیه آن است ..... ۱۰۸
- ۷-۴. فرسودگی دولت، فایده رفع نیست ..... ۱۱۲
- ۷-۵. دولت‌ها در ابتدا شیوه خوش رفتاری پیشه می‌کنند..... ۱۱۴
- جمع‌بندی ..... ۱۱۵
- فصل سوم: استاد مطهری و «فلسفه الهی تاریخ» (با تأکید بر نظریه تکامل تاریخ)..... ۱۱۹
- درآمد ..... ۱۱۹
- أ) شیوه‌نامه تنظیم دیدگاه‌های فلسفه تاریخ استاد مطهری ..... ۱۱۹
- ب) برخی ابهامات و سؤالات ..... ۱۲۳
- متن «فلسفه تاریخ» استاد مطهری در ساختاری جدید ..... ۱۲۹
- أ) مباحثی درباره فلسفه علم تاریخ ..... ۱۲۹
۱. تعریف تاریخ ..... ۱۲۹
۲. انواع علم تاریخ ..... ۱۳۰
- ۲-۱. تاریخ نقلی ..... ۱۳۰
- ۲-۲. تاریخ علمی ..... ۱۳۱

- ۲-۳. فلسفه [نظری] تاریخ ..... ۱۳۲
- تفاوت عامل محرک تاریخ با عامل تطور تاریخ ..... ۱۳۴
۳. بررسی اعتبار تاریخ علمی ..... ۱۳۵
- ۳-۱. عدم اعتبار تاریخ علمی به دلیل عدم اعتبار تاریخ نقلی ..... ۱۳۵
- پاسخ ..... ۱۳۶
- ۳-۲. ناسازگاری قانون علیت در تاریخ علمی با اختیار انسان ..... ۱۳۷
- پاسخ ..... ۱۳۸
- صادف مصطلح، به معنای نفی قانون علیت نیست ..... ۱۳۸
- ۳-۳. اشکالات دیگر ..... ۱۴۰
- سخ ..... ۱۴۱
- ۳-۴. جامعه علمی اعتبار دارد، اما دستیابی به آن دشوار است ..... ۱۴۲
- قرآن برای جامعه، چون و سنت قائل است (اثبات اعتبار تاریخ علمی) ..... ۱۴۴
- وظیفه مورخ ..... ۱۴۴
۴. ابتدای تاریخ علمی ..... ۱۴۵
- پاسخ به دیدگاه «سببیت تاریخ» مبنای اصالت اجتماع و انتزاعی بودن فرد ..... ۱۴۶
۵. تکامل علم تاریخ ..... ۱۴۷
- ب) فلسفه نظری تاریخ ..... ۱۴۹
۱. مبانی و اصول ..... ۱۴۹
- ۱-۱. اختیار انسان ..... ۱۴۹
- ۱-۲. اصالت فطرت ..... ۱۵۱
- ۱-۳. طبیعی بودن زندگی اجتماعی (مدنی) بالطبع بودن انسان ..... ۱۵۳
- ۱-۴. وجود حقیقی جامعه (اصالت توأمان جامعه و فرد) ..... ۱۵۷
۲. تعدد عوامل محرکه تاریخ (با محوریت خداوند) ..... ۱۶۵
- نگاهی کلی به عوامل و نظریات مختلف ..... ۱۶۵
- ۲-۱. تصادف ..... ۱۶۹
- ۲-۲. نوابغ و قهرمانان ..... ۱۷۰

- ۲-۳. جغرافیا ..... ۱۷۲
- ۲-۴. نژاد ..... ۱۷۴
- ۲-۵. اقتصاد ..... ۱۷۵
- ۲-۶. خداوند (جهان‌بینی الهی در تاریخ) ..... ۱۷۶
۳. تکاملی بودن جهت حرکت کلی تاریخ ..... ۱۸۱
- ۳-۱. مروری بر نظریات درباره جهت حرکت کلی تاریخ ..... ۱۸۱
- ۳-۲. تبیین نظریه تکامل تاریخ ..... ۱۸۵
- مفهوم‌شناسی: تفاوت «تکامل با پیشرفت» و «کامل با تام» ..... ۱۸۵
- نظریه تکامل ..... ۱۸۸
- پایخ به بحال (مسأله ارتباط باید و هست) ..... ۱۹۳
- پیروزی دینی حق بر باطل در قرآن ..... ۱۹۵
۴. هدفمندی حرکت تکامل تاریخ ..... ۲۰۰
- قوه تسخیرکننده، تاریخ را به هدفش پیش می‌برد ..... ۲۰۴
- حرکت جامعه انسانی به وحدت (در اساس نظریه فطرت) ..... ۲۰۵
- نقد نظریه وجود تکامل تاریخی بدون وجود کمال ..... ۲۱۲
۵. ماهیت مادی - معنوی حرکت تکامل تاریخ ..... ۲۱۴
- ۵-۱. نادرستی تفسیر مادی از ماهیت تاریخ ..... ۲۱۵
- أ) نظریه مارکسیسم ..... ۲۱۵
- ب) نظریه تفکیکی («عدم پذیرش ماتریالیسم فلسفی و پذیرش ماتریالیسم تاریخی») ..... ۲۲۱
- ۵-۲. ماهیت مادی و معنوی تاریخ (دیدگاه مقبول) ..... ۲۲۷
- علت پیدایش مذهب و گرایش‌های مذهبی ..... ۲۳۲
۶. معیار تکامل تاریخ ..... ۲۳۴
- ۶-۱. احتمالات و دیدگاه‌های گوناگون ..... ۲۳۴
- ۶-۲. بررسی دیدگاه غربی ..... ۲۳۷
- نقد ملاک آزادی و برابری ..... ۲۳۷

|                                                                                                                                                |     |
|------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| توصیف نظریه تکامل بر معیار «آگاهی».....                                                                                                        | ۲۴۱ |
| ۶-۳. دیدگاه الهی.....                                                                                                                          | ۲۴۴ |
| <b>فصل چهارم: استنتاج، تحلیل و مقایسه دیدگاه‌های مرتبط با فلسفه تاریخ ابن خلدون و فارابی و استاد مطهری (بر اساس شریعت، فلسفه و تاریخ).....</b> |     |
| مقدمه.....                                                                                                                                     | ۲۵۱ |
| ۱. درآمدی بر مفهوم‌شناسی و نسبت‌سنجی «فلسفه تاریخ» و مفاهیم مرتبط<br>(«فلسفه»، «تاریخ»، «شریعت»، «جامعه»، «سیاست» و «فلسفه سیاسی»).....        |     |
| ۱. نقدی استنتاجی و تحلیلی درباره اندیشه‌های اجتماعی و فلسفه تاریخ ابن خلدون.....                                                               | ۲۵۲ |
| ۱. نقدی استنتاجی و تحلیلی درباره اندیشه‌های فلسفه تاریخی استاد مطهری.....                                                                      | ۲۶۳ |
| ۴. مقایسه دیدگاه‌های مرتبط با فلسفه تاریخ ابن خلدون و استاد مطهری.....                                                                         | ۲۶۸ |
| جمع‌بندی.....                                                                                                                                  | ۲۷۶ |
| ضمیمه: تمدن اسلامی؛ گذشته، حال، آینده.....                                                                                                     | ۲۸۵ |
| مقدمه.....                                                                                                                                     | ۲۸۵ |
| ۱. تمدن اسلامی در نگاهی کلی.....                                                                                                               |     |
| ۱-۱. ادوار پنج‌گانه اعتلا و انحطاط جهان اسلام.....                                                                                             | ۲۸۶ |
| ۱-۲. علل انحطاط در تمدن اسلامی (طرح بحث از استاد مطهری).....                                                                                   | ۲۹۰ |
| ۲. سه مواجهه جهان اسلام با غرب در سه دوره تاریخی.....                                                                                          | ۲۹۵ |
| ۲-۱. اخذ فلسفه یونان.....                                                                                                                      | ۲۹۵ |
| ۲-۲. جنگ‌های صلیبی.....                                                                                                                        | ۲۹۶ |
| ۲-۳. ورود مدرنیته و استعمار.....                                                                                                               | ۲۹۷ |
| ۳. انقلاب اسلامی ایران و تمدن مطلوب اسلامی.....                                                                                                |     |
| ۳-۱. ادوار سه‌گانه تحولات مهم ایران پس از اسلام.....                                                                                           | ۲۹۹ |
| دوره اول: از صدر اسلام تا آغاز دوره صفویه.....                                                                                                 | ۳۰۰ |
| دوره دوم: از عصر صفویه تا انقلاب اسلامی.....                                                                                                   | ۳۰۲ |

|                                                                                         |     |
|-----------------------------------------------------------------------------------------|-----|
| دوره سوم: پس از انقلاب اسلامی                                                           | ۳۰۴ |
| ۳-۲. انقلاب و نظام اسلامی، نقد غرب و زمینه‌سازی برای تمدن اسلامی                        | ۳۰۴ |
| انقلاب اسلامی، حلقه پیوست تمدن اسلامی (تقابل با نقش مدرنیته در گسیختگی تاریخی مسلمانان) | ۳۰۵ |
| انقلاب اسلامی و پرسش از ماهیت تک‌ساحتی غرب                                              | ۳۰۶ |
| انقلاب اسلامی و تصرف در غرب                                                             | ۳۰۶ |
| انقلاب اسلامی، برخلاف عالم مدرن، در مسیر فطرت انسانی است                                | ۳۰۸ |
| تقسیم‌بندی سه مرحله‌ای تکامل جامعه، ضرورت وجود الگوی تمدن اسلامی، و حرکت به سوی آن      | ۳۰۹ |
| حاکمیت «عقل جمعی قدسی» در تمدن مطلوب اسلامی                                             | ۳۱۲ |
| بناگاه تشیع در انقلاب، نظام و تمدن اسلامی                                               | ۳۱۳ |
| انقلاب اسلامی، رزوم تحول در علوم انسانی (با نگاهی تاریخی)                               | ۳۱۵ |
| ضرورت داشتن 'گویی' تمدنی در تولید علوم انسانی اسلامی                                    | ۳۱۷ |
| بیداری اسلامی، زمینه‌سازی تمدن اسلامی                                                   | ۳۱۹ |
| کتابنامه                                                                                | ۳۲۵ |
| فهرست اعلام                                                                             | ۳۳۱ |

## مقدمه علمی دکتر رضا داوری

این کتاب را به کار عزیز آقای دکتر موسی نجفی دادند و از روی تواضع گفتند که بخوانم و اثر ملا نظره نظری دارم بگویم. کتاب را که ورق زدم اول قدری تعجب کردم که چرا نویسنده در این طهری فیلسوف شیعه صدرایی را با ابن خلدون متکلم مالکی که قرن‌ها از هم دورند در کنار هم قرار داده‌اند. به عنوان که نگاه کردم و مقدمه را خواندم دریافتم که مقصود نویسنده مقایسه آن دو بزرگ نبوده بلکه قصد راه‌یابی به فهمی جدید از تاریخ و بنای دانش تاریخی جدیدی با جوهر اسلامی داشته‌اند. من این کوشش را می‌ستایم اما در همنوایی با مؤلف آن را کوششی بسیار دشوار می‌دانم. علوم انسانی و از جمله علم تاریخ (و نه تاریخ‌نویسی که سابقه هزاران ساله دارد) در جهان متجدد به وجود آمده‌اند و به این جهان تعلق دارند. همه علوم جدید در یگانگی یا در هم‌بستگی‌شان با یکدیگر، علم عالم جدید و حامل رونق می‌جایند. این علوم عین قدرتند و برای تصرف در جهان به وجود آمده‌اند. از این حیث میان فیزیک و زیست‌شناسی و جامعه‌شناسی تفاوتی نیست. هر چند که علوم فیزیک و بیولوژی از جهات دیگر با علوم اجتماعی تفاوت‌ها دارند اما این تفاوت‌ها به مبادی تاریخی و به منشأشان باز نمی‌گردد. علم جدید اعم از طبیعی و انسانی، علم تکنولوژیک و تصرف در طبیعت است منتهی فیزیک راهنمای ساختن و پرداختن جهان مادی از طریق اعطای صورت ریاضی به آن است و به فرهنگ و دین و اعتقادات و گفتار و کردار مردم کاری ندارد و حال آن‌که در تاریخ و جامعه‌شناسی ناگزیر باید از گفتار و کردار و کار و بار و

اعتقادات و کامیابی‌ها و ناکامی‌ها و خردمندی‌ها و بی‌خردی‌های آدمیان گفت. علوم انسانی و اجتماعی علم فرهنگ است و با آن‌ها کم و بیش راه تصرف در جامعه و تعدیل روابط انسانی شناخته می‌شود و از این حیث با علوم دیگر که کارشان درک شرایط تصرف در موجودات مادی و طبیعی است، تفاوت دارد و مع‌هذا علوم در هر دوره تاریخی با هم در تناسب و تعادلند چنان‌که علم نظری قدیم با علم عملی یعنی اخلاق و سیاست تناسب داشتند. ارسطو که می‌گفت انسان، حیوان مدنی بالطبع است درباره سیاست نظری داشت که با آنچه در زمان ما علم سیاست و فلسفه سیاسی خوانده می‌شود تفاوت دارد. سیاست ارسطو با علم نظری و با فلسفه او همخوانی داشت و سیاست و اخلاق جهان متجدد با هم جدید تناسب دارد. اما در آغاز عصر جدید ماکیاولی و هابز اساس دیگری به جای علم ارسطویی گذاشتند و سیاست و فرهنگ در برابر وضع طبیعی قرار گرفت و کم‌کم زمینه جدید این علوم انسانی و نیازمندی به آن فراهم شد. علوم انسانی جدید چنان‌که گفتند مدتی به عهد تجدد تعلق دارند و روح تجدد در آن‌ها ساریست و از این جهت فیزیک را جامعه‌شناسی، اهمیت تفاوت ندارند. هیچ‌یک از این علوم از آن حیث که علمند با کفر و دین و محصله با شرک جلی و با ایمان و اعتقاد قلبی مردمان سر و کار و نسبت مستقیم ندارند. اشاره شد که سیاست ماکیاولی و هابز و فیزیک گالیله و فلسفه دکارت هر چند پیوستگی نظری و منطقی با هم ندارند در تناسب و تناظر با یکدیگر به وجود آمده‌اند. علوم جدید همه به علم تصرف در موجودات منتهی یکی در ماده بی‌جان تصرف می‌کند و دیگری مداخله‌اش در روابط و مناسبات آدمیان و زندگی آنهاست اما چون این تصرف جز با نظر دقیق دیده نمی‌شود و به فرض این‌که دیده شود تصرف در ماده و طبیعت در ظاهر کمتر به نحو مستقیم با اعتقادات ارتباط دارد، دین و شریعت مفید بودن و کارسازی آن را تأیید می‌کند. (شاید وقتی یگانگی علم و تکنیک محرز شود و مردمان دریابند که بر اثر توسعه تکنولوژی منابع طبیعی یکسره و به تمامی مصرف می‌شود و به پایان می‌رسد و آلودگی محیط زیست آدمی هر روز شدت می‌یابد و سلاح‌های مخوف که ممکن است به زودی همه جا در دسترس همه قرار می‌گیرد امن و آسایش بشر در روی زمین را بر هم می‌زند و چه بسا که تصرف در ژنوم انسانی نیز رسمیت یابد، شاید حکم پیشوایان دین نیز در مورد علوم

و تکنولوژی‌ها تغییر کند. ظاهراً تاکنون شرایط چنان نبوده است که فقها در باب استخراج آخرین ذرات و قطرات شیره طبیعت و مصرف بی‌رویه آن‌ها و تولید و کاربرد سلاح‌های مخوف و آسیب‌هایی که به محیط زیست در زمین و هوا و دریا وارد می‌شود یا در مورد شبیه‌سازی انسان حکمی بدهند.<sup>۱</sup> در مقابل، جامعه‌شناسی و اقتصاد و سیاست در جامعه جدید و متجدد کاری را به عهده گرفته‌اند که پیش از آن به حکم دین انجام می‌پذیرفته است. اقتضای جهان جدید هم این است که این علوم وجود داشته باشند و کارگشایی کنند و چون تجدد در همه جا کم و بیش تحقق یافته و صورتی از جامعه جدید در همه جا به وجود آمده است، این علوم هم جهانی شده‌اند. ما هم در تاریخ تجدد هر چند به صورت نیم‌بند، شریک شده‌ایم و قدری از علوم اجتماعی و انسانی را آموخته‌ایم و البته تا جایی که به کار توسعه اقتصادی - اجتماعی می‌پردازیم به آن‌ها نیاز داریم پس هر یک از این علوم اگر به مرحله پژوهش و تحقیق برسد در مسیر تجدد و توسعه به کار می‌آید. آیه‌ای که تعلق روحی و فکری به دیانت و نظم و نظام دینی دارند می‌خواهند در علوم انسانی نه در راه تجدد بلکه در ساختن جامعه دینی مددکارشان باشد. نویسنده این کتاب هم به دو صاحب‌نظر یکی مورخ و متکلم و دیگری فقیه و فیلسوف مراجعه کرده تا درسی از آنان برای شناخت جامعه اسلامی و ورود در ساحت علم اسلامی به‌خصوص تأسیس علوم اجتماعی و انسانی مبتنی بر مبادی اسلامی بیاموزد. ما برای آینده علمی خود را سامان دهیم و آن را از مرحله آموزش به مرتبه پژوهش و تحقیق برسانیم باید در تأسیس این نظران سلف و معاصر تأمل کنیم. قصد نویسنده کتاب از این مراجعه استنتاج از یک استاد بزرگ برای راه بردن به طرح تاریخ دینی است. ایشان چون می‌دانند که تاریخ نه تاریخ خیال و وهم بلکه تاریخ حادثه‌هاست، چشم به افق تاریخ بیداری اسلامی دارند و در طلب علمی هستند که بیداری اسلامی و آینده جهان اسلام را با آن بتوان شناخت و در جهت درست هدایت کرد. حسن کار نویسنده گرامی اینست که ننشسته که به دیگران بگوید چرا علم تاریخ را اسلامی نکرده‌اید و نمی‌کنید. بلکه خود به طلب و پژوهش پرداخته و

۱. مایه خوشوقتی است که اخیراً رهبری جمهوری اسلامی حکم به حرمت استعمال سلاح‌های اتمی داده‌اند.

به مناسب‌ترین و صالح‌ترین مراجع رجوع کرده است تا ببیند چگونه می‌تواند بینش اسلامی را در پژوهش‌های تاریخی وارد کند. کاش مورخان و دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی در این طرح نظر کنند و به نقد آن بپردازند. این بحث‌ها اگر در محافل خاص محدود باشد و صاحب‌نظران مخالف و موافق به چون و چرا درباره آن‌ها نپردازند به جایی نمی‌رسد و آنچه گفته می‌شود مقبول عقل عام قرار نمی‌گیرد و منشأ اثر نمی‌شود. البته اگر مورخانی که با زبان وحی آشنایی دارند و با نگاه توحیدی به تاریخ و حوادث تاریخی می‌نگرند، ریح بنویسند، تاریخ‌نویسی‌شان تاریخ دینی است اما این تاریخ، دیگر تاریخ و علم تاریخی که در قرن هجدهم پدید آمده و بسط یافته است نیست و نمی‌دانیم با جامعه‌های معاصر که نشان بیشتر غایات تجدد است چه نسبتی می‌تواند داشته باشد. این است که دشواری اصلی و بزرگ پدید آمدن تاریخ‌نویسی دینی یک تصمیم سیاسی و حتی یک طرح پژوهشی نمی‌تواند باشد بلکه این یک حادثه تاریخی است و جز در ضمن تجدید عهد دینی نمی‌تواند وقوع یابد. مع‌هذا چون کار علم را دانشمندان برعهده دارند، طبیعی است که روش آن‌ها برای اسلامی کردن علم، شرط این تجدید عهد دانسته شود. اکنون چیزی که در مکتب تاریخ معاصر اسلام و آینده آن اهمیت اساسی دارد، انتظار گشایش افق دینی و جاری‌سازی اسلامی به صورت تفکر معنوی و طرح سیاست‌های خردمندانه و اخلاقی است و نه صرفاً علمی و خواست و تصمیم‌های رسمی. بیداری سیاسی اسلامی که سابقه آن به آغاز مبارزه‌ها در ضد استعماری می‌رسد و با انقلاب اسلامی وارد مرحله تازه‌ای شده است، نه صرفاً از بیرون بلکه از درون در معرض آسیب‌ها و مصیبت‌ها و افت‌های خطرناک قرار گرفته است. متأسفانه این قبیل افت‌ها و مصیبت‌ها را بسیار سهل انگاشته‌ایم. گویی پی نبردیم که آنچه در لیبی و تونس و مصر روی داد خوابگردی بود نه بیداری و اگر در جایی نشانه‌های بیداری ظاهر شد در راه آن دام گسترده و چون چندان قوت نداشت که نتوانند آن را از اثر بیاندازند، کوشیدند که از آن بهره‌برداری کنند. این‌که از میان مدعیان مسلمانی کسانی در پاکستان و افغانستان و عراق و عربستان و مخصوصاً در آفریقا پیدا شده‌اند که با گفتار زشت و اعمال تبهکارانه خود سیمای اسلام را کرب و وحشتناک جلوه می‌دهند، مصیبت کوچکی نیست. در این وضع، کاری که مورخ معاصر می‌تواند این است که ببیند چرا و

چگونه افق بیداری اسلامی با گفتار زشت و کردار تبہکارانه قشری‌های افراطی تیره و آلوده شده است و به روشن ساختن و زدودن این تیزی و آلودگی بپردازد. مؤسسان و مجددان علم و آیین همیشه در آغاز هر تاریخی قبل از بنیاد کردن و ساختن، موانع را از میان بر می‌داشته و زمینه را مهیا می‌کرده‌اند. کار مؤلف این اثر هم وجهی از آماده‌سازی شرایط تحول در علم تاریخ از طریق شناخت وضع موجود و رفع موانع درک دینی جهان از طریق رسوخ در مآثر و آثار و تعالیم الهی و سنن گذشتگان است. نکته دیگری که در این راه توجه به آن ضرورت دارد قهر و قدرتی است که در علم تکنولوژیک خانه دارد و در همه جا همه چیز و در و دیوار جهان کنونی نفوذ کرده است و حکم می‌راند. قدرت سیاسی و نظامی و مادی و مالی جهانی نیز ظاهرترین جلوه این قدرت است. علم کنونی علم نظر نیست بلکه عین قدرت است؛ پس تلقی آن به عنوان نظری در کنار سایر نظرها که بتوان در بارش نظر دیگر را عنوان و اظهار کرد و آن را از اعتبار جهانی انداخت نشناختن آن است. البته در جهان در حال توسعه و توسعه نیافته هنوز قدرت و علم یکی نشده‌اند و به این جهت، می‌توان از کارکرد ناقص علوم و بی‌اثر بودنشان در کار توسعه گفت و حتی سخن از تعدیل و تعدیل و بومی کردن آن‌ها و قراردادنشان بر بنیاد دیگر به میان آورد ولی هر چه می‌خواهیم بگویم باید در وضع کنونی علم در کشور تحقیق کنیم زیرا اگر وضع علم در کشور را ندانیم چه می‌توانیم بکنیم. چیزی که من با اطلاعات اندک خود می‌دانم اینست که در دوران تعدیم‌آیی به علوم انسانی و به‌خصوص به تاریخ اعتنای درخور نشده است گویی به آن نیاز نداشته‌ایم این را همه تصدیق می‌کنند که علم کنونی کارساز زندگی است و اعتبارش را این کارسازی می‌گیرد. اما در این که کارسازی چیست و چه شرایطی دارد کمتر تأمل می‌شود و طبیعی است که نپرسیم چگونه علم نظری می‌تواند هم بر مبادی دینی مبتنی باشد و هم از آن در عمل سیاسی و اجتماعی و تصرف در جهان می‌توان بهره برد. پیداست که علم نمی‌تواند مبانی و مبادی و چارچوب‌های نظری خاصی نداشته باشد ولی معمولاً علوم با رجوع آگاهانه به مبادی و ارزش‌ها و به دلخواه اشخاص و گروه‌ها ساخته نمی‌شود. البته هر علمی هر وقت و هر جا باشد در نسبت با نظر آدمیان به عالم و آدم و مبدأ آن‌ها و در تناسب با شیوه‌های عملی زندگی قوام می‌یابد. در گذشته نسبت میان

زندگی و علم چندان آشکار نبود و اهل دانش و نظر هم به آن توجهی نداشتند. اکنون در عصر ما زندگی و علم کاملاً به هم بسته‌اند و در تناسب با یکدیگر متحول می‌شوند. اگر در دهه‌های اخیر به نظر می‌رسد که تحول در علم و تکنولوژی زندگی را دگرگون می‌کند شاید بتوان گفت که در بدو تاریخ تجدید جلوه یک نظم تازه زندگی بود که جنبش علمی - فرهنگی جدید را جان و اعتبار می‌بخشید. با توجه به اینکه تحول در علم و زندگی و عمل به هم پیوسته و همراهند چه بسا که اگر عهد دینی تجدید شود و امت و مجتمع دینی پدید آید صورت و غایت و حدود علم هم دگرگون شود. در هر صورت رجوع به گذشته علم برای طراحی آینده آن کاری مهم و در جای خود ضروری است و باید از اولین قدم‌هایی که در راه ایجاد تحول در علوم انسانی برداشته شده است استقبال کرد. از این‌جا که بگذریم این کتاب یک اثر پژوهشی گرانمایه است که در آن آراء دو صاحب‌نظر مسلمان درباره تاریخ و قوام جامعه و حکومت به نحو نسبتاً مبسوط بیان شده است اهل نظر و تاریخ‌دانان قدر آن را می‌دانند و در آن نکات بسیار برای تأمل می‌یابند.

رضا داوری اردکانی